

زمین دار شدن به سبک رضاشاه

۱۵ آبان ۱۳۹۹ ساعت ۱۱:۵۴

وی «در طول شانزده سال سلطنت خویش، طبق آمار ۲۱۶۷ ده و طبق آمار دیگری ۲۴۰۰ ده را به تصرف خود درآورده بود و به یک فئودال نوظهور تبدیل شده بود...»

کافه تاریخ - مقالات

حکومت رضاشاه به عنوان نتیجه قدرتهای سیاسی پراکنده در ایران بعد از مشروطه و سیاستهای استعماری بازیگران خارجی، فصل تازه‌ای در زمینه ساخت قدرت سیاسی و تشکیل حکومتی متفاوت بود. رضاشاه با ایجاد اولین دولت مطلقه متمرکز، پایه‌های حکومتی مستبدانه را به وجود آورد. ایجاد چنین ساختی از طریق ادغام و یا حذف گروههای پراکنده و قدرتمند همچون مالکین، زمینداران و عشایر اتفاق افتاد که بعضاً خطری برای قدرت مرکزی نیز محسوب می‌شدند. رضاشاه از طریق این سیاست نه تنها خطر بالقوه زمینداران را از بین برد، بلکه خود به یکی از زمینداران بزرگ تبدیل شد.

قانون مالکیت و زمینداری در ایران

در ساختار طبقاتی ایران تا قبل از اصلاحات ارضی، ارباب در رأس طبقه قرار داشت و شامل زمینداران و مالکین بزرگ بود. اربابان معمولاً چندین هکتار زمین را در اختیار داشتند و در برخی از برهه‌ها نیز توانستند به دستگاه حکومت راه یابند. «در پایان قرن نوزده و آغاز قرن بیستم تقریباً تمام اراضی عمومی و کشاورزی، و نیز بخش اراضی دولتی در چنگ زمینداران عمده و بزرگ، از جمله کارمندان شاهی، والیان - نظامی، روحانیان برجسته، زمینداران و تاجران و رباخواران بود.»^۱ به طور کلی مالکیت در ایران به طبقات و گروههای خاصی محدود بود و این روند تا قبل از اصلاحات ارضی ایران در دهه ۴۰ به همان شکل باقی ماند. با توجه به این موضوع می‌توان گفت مالکیت در ایران بر اساس نحوه دستیابی به زمین و شیوه بهره‌برداری از آن به سه گروه قابل تقسیم است: گروه اول «خانواده سلطنتی، فرماندهان بزرگ و مأموران عالی‌رتبه سیاسی، گروه دوم خانهای قبایل مهم کشور و گروه سوم تجار و بازرگانان»^۲ شکل دستیابی به زمین نیز تا آن دوره به اشکال متفاوتی چون سرکوب و خشونت، بخشش و ... قابل مشاهده بود؛ اما در زمان رضاشاه یک روش دیگر نیز مرسوم شد و آن به این صورت که «زمینداران از ترس شخص شاه یا عاملان حکومت تمام یا بخشی از ملک خود را به نام آنان می‌کردند.»^۳ این شیوه که می‌توان از آن با عنوان زمین‌خواری نیز نام برد، باعث شد تا رضاشاه به یکی از زمین‌خواران بزرگ تبدیل شود.

رضاشاه و تملک املاک و اراضی وسیع

زمانی که رضاشاه به قدرت رسید، حاکمیت ملی به دلیل اختلافات فکری میان احزاب و جناحهای سیاسی مختلف در دوره مشروطه، دچار ضعف و خلل گردیده بود. از این رو وی نیز به مانند بسیاری از پادشاهان پیشین، تلاش نمود با اقدامات نظامی و غلبه بر رقبا و رؤسای قبایل متمرده، قدرت سیاسی را تثبیت و متمرکز نماید. یکی از اقدامات وی در این راستا کاستن از قدرت مالکین و زمینداران بود که طی قوانین خاصی به اجرا درآمد. مطابق با یکی از این قوانین مالکان ارضی موظف شدند مالکیت خود را در دفاتر ثبت کنند و در قبال آن قباله دریافت نمایند. این وضعیت باعث شد تا شاه و ارتش به راحتی بتوانند املاک کشاورزی و غیر کشاورزی را مصادره کنند یا به زور با قیمت اسمی به خرید آنها بپردازند.^۴

رضاشاه در راستای اجرای این سیاست و تصرف اراضی از اسکان اجباری عشایر و یا سیاست تخته‌قاچو هم استفاده نمود و با سرکوب عشایر بخش وسیعی از املاک و اراضی آنان را تصرف نمود. کار سرکوب و خلع سلاح ایلات از ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۷ به طول انجامید و بسیاری از قبایل و ایلات قشقایی سراسر کشور، سرکوب شدند و خلع سلاح شدند. بر اثر این سرکوب، بسیاری از منابع مالی عشایر و قبایل نیز مورد دست‌اندازی قرار گرفت و منابع عمده‌ای به تصرف ارتش درآمد. قسمت عمده‌ای از اراضی و املاک روسای قبایل و عشایر نیز با استفاده از قانون جدید ثبت اسناد و املاک از دست آنها خارج شد.^۵

مجموع این اقدامات و سیاستها، باعث شد تا رضاشاه به بزرگترین زمیندار و یا زمینخوار کشور در عصر خود تبدیل شود. البته برخی معتقدند که دلیل رضاشاه از اعمال این سیاست، آگاهی او از قدرت مالکین و زمینداران بوده و از این طریق درصدد کاهش قدرت زمینداران بود. چنانچه وی بعد از نخست‌وزیری بتدریج شروع به خرید خانه‌هایی در تهران و سایر شهرها و استانها نمود و بعد از پادشاهی، با اعمال زور به این سیاست ادامه داد. وی «در طول شانزده سال سلطنت خویش، طبق آمار ۲۱۶۷ ده و طبق آمار دیگری ۲۴۰۰ ده را به تصرف خود درآورده بود و به یک فئودال نوظهور تبدیل شده بود و برخی از مالکان را هم به شرط اطاعت از او آزاد گذاشته تا کماکان «شوکت الملک» منطقه خود باقی بمانند.»^۶

رضاشاه نه تنها خود به تصرف و غصب مالکیت زمینداران دست زد، بلکه بسیاری از نزدیکان و اطرافیان خود را نیز تشویق به این کار کرد. بسیاری از این افراد، ضمن تغییر وضعیت اقتصادی خود، بتدریج به بدنه سیاسی حکومت نیز راه یافتند و از این طریق بر قدرت مرکزی و تمرکز آن افزودند. چنانچه «حدود ۵۴ درصد از نمایندگان مجلس را خانواده‌های اشراف زمیندار تشکیل می‌دادند.»^۷ علاوه بر این فرماندهان ارتش نیز به واسطه این سیاستها از قدرت اقتصادی بهره‌مند گشتند. چنانچه وی همواره فرماندهان خود را تشویق به خرید ملک و زمین می‌کرد. فردوست در خاطرات خود با اشاره به این موضوع گفته است: «رضاخان همه فرماندهان نظامی خود را متحول کرد، بدون آنکه یک ریال از جیب خود بدهند، دستشان را در چپاول اموال مردم بازگذارد و به آنها می‌گفت: «املاکی برای خود تهیه کنید.» آنها هم املاک زیادی بیشتر در اطراف تهران برای خود تهیه کردند و این اموال برای آنها تقریباً مجانی تمام می‌شد.»^۸

البته فردوست در ادامه توضیح می‌دهد که فرماندهان چگونه از این شرایط استفاده کرده و مانده فرمانده کل خود یعنی رضاشاه با اعمال زور و خشونت، صاحب زمین و یا خانه می‌شدند. بر این اساس می‌توان گفت یکی از اهداف رضاشاه در غصب و تملک زمین و خانه، تکوین ساخت قدرت مطلقه و افزایش قدرت مرکزی بود. وی این سیاست را از طریق روشهایی چون به کارگیری

روشهای سرکوب و خشونت و نیز تصویب قوانینی چون قانون ثبت املاک اجرا نمود؛ اما این سیاستها پیش از آنکه به اصلاح ساختار مالکیت در زمین منجر شود، باعث ثروتمند شدن رضاشاه و تبدیل شدن او به یکی از زمینخواران بزرگ گردید.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۴۷۱۰۶/رضاشاه-سبک-شدن-دار-زمین/۴۷۱۰۶>